

نکاتی چند راجع بمقاله :

((در اطراف جعل))

(منتشره در شماره ۶۵ مجله کانون)

با آنکه مقاله مزبور از نگارنده فاضل ودانشمندی است اما چون موضوعات علمی اغلب عبارت از یک سلسله مباحث نظری است و مباحث نظری بیش از آنکه بتوانائی علمی مربوط باشد تابع نحوه و ملاک استنباط مییاشد لذا با اعتراف بمقام استادی نگارنده مقاله مذکور و با استجازه از ایشان مطالبی چند بعرض میرساند :

الف - در سطر نهم صفحه ۱۲ چنین نوشته شده است «جعل در موردی است که سندی ساخته شود و امضائی شبیه امضای اصلی در آن بنمایند و مورد استفاده هم بشود پس اگر گذرنامه راجع نموده و استفاده از آن نکرد آثار جزائی جعل بر او بار نمیشود نمود زیرا تذکره برای عبور از کشور است و وقتی عبور نکند عنصر جعل موجود نشده و مورد استفاده واقع نگردیده مادام که مورد استفاده نشود آثار جزائی ندارد.»

براین بیان چند اشکال وارد است :

نخست آنکه استفاده جاعل از سند مجعول شرط تحقق بزه نیست بلکه آنچه شرط تحقق جعل میباشد قابلیت سند برای اضرار بغیر است اعم از اینکه سند مجعول مورد استفاده واقع شود یا نشود زیرا ماده ۹۷ که تعریف جعل را بدست میدهد همچنین مواد ۹۸ و صدر ماده ۹۹ قانون مجازات عمومی اینموضوع را بصراحت بیان میکند .

جمله «یا باعلم بجعل یا تزویر استعمال کند» از ماده ۹۸ و ذیل ماده ۹۹ «یا باعلم بجعل استعمال نماید» و ماده ۱۰۵ که مجازات استعمال کنندگان اوراق مجعوله و مزوره مواد ۱۰۲ و ۱۰۳ و ۱۰۴ را بیان مینماید مستقل بودن و دوکانگی هر يك از دو جرم جعل و بکار بردن سند مجعول را بخوبی روشن میسازد .

دیوان عالی کشور در آراء متعدد نه فقط قابلیت سند را در اضرار بغیر کافی دانسته بلکه شعبه دوم در رأی شماره ۱۳۱۴-۱۷/۶/۱۹ چنین اشعار داشته: «اضرار آتی و مسلم شرط تحقق جعل بشمار نمیرود چه آنکه لازم نیست که ضرر در بدو امر از جعل ناشی شده باشد بلکه اضرار بالقوه کافی خواهد بود.»

دوم - در بسیاری موارد ممکن است نه فقط از جعل مورد استفاده قراردادن سند معمول منظور نباشد بلکه ضرری هم ولو بغیر از ناحیه جاعل ملحوظ نگردد چنانکه اگر يك مؤسسه خصوصی فرهنگی (آموزشگاههای اروپا و آمریکا) رافرض کنیم که تصدیق عالی بدهد هرگاه شخصی تصدیق چنین مؤسسه‌ای را جعل کند و هیچ استفاده استخدامی یا نحو آن از آن نبرد و اساساً قصد چنین استفاده‌ای نداشته باشد بلکه صرف داشتن تصدیق هدف او باشد در این صورت :

اولاً جعل از جعل هیچگونه استفاده (بمعنای مادی) نبرده است :
ثانیاً جعل برای دیگران و حتی مؤسسه‌ایکه تصدیق او جعل شده موجب هیچ نوع ضرر مادی نگردیده است .

در چنین حالتی آیا میشود گفت عمل شخص یادشده منطبق با جعل نیست ؟
بنظر اینجانب نه زیرا مواردی هست که استفاده شخص با تحصیل سند تمام میشود یعنی صرف داشتن یا مالک شدن سندی از لحاظ استفاده صاحب آن کافی است مانند گواهی نامه‌های فرهنگی و نشان‌های علمی ، چه بسیار اشخاص هستند که بدون آنکه بخواهند تصدیق خود را برای استخدام یا فواید دیگر بکار برند صرف داشتن آنرا هدف و منظور خویش قرار میدهند .

بامطاق آنچه شعبه ۵ دیوان عالی کشور در حکم شماره ۱۲۶۹-۱۷/۵/۳۱ اشعار داشته « **وصف اضرار در این قبیل اوراق ملحوظ نیست** » پس مواردی یافت میشود که ممکن است بدون آنکه سند معمول مورد استفاده واقع شود (بمعنای بکار بردن) جعل تحقق یابد .

سوم مثالی که دانشمند محترم از گذرنامه آورده‌اند نیز قابل بحث است زیرا گذرنامه تحت عنوان تذکره که کلمه عربی گذرنامه است مبحث جعل حکم مخصوص دارد و در ماده ۱۰۷ که حکم آن بیان شده بکار بردن و مورد استفاده قراردادن بعنوان شرط تحقق بزه قید نشده و حتی کلمه « **یا** » که مابین دو فراه آمده « **تزویر نماید یا تذکره مزبور را عالماً استعمال کند** » مؤید این نظر است که جعل گذرنامه اعم از اینکه مورد استفاده قرار گیرد یا نگیرد جرم است چه اگر قانونگذار بکار بردن گذرنامه معمول را شرط تحقق بزه میدانست حق این بود بجای کلمه **یا** ، **و او** ، بکار برد .

اما اگر قلت مجازات نظر دانشمند محترم را بخود جلب نموده و با قبول جرم بودن آن چون مجازات جعل گذرنامه در مقایسه با مجازات موارد دیگر جعل خیلی کم بنظر

در اطراف جعل

میرسیده و باین جهت آنرا از موارد جعل بحساب نیاورده اند باید عرض کنم :
اولاً این نظر با جمله «**مادام که مورد استفاده نشود اثر جزائی ندارد**»
منافات دارد زیرا جمله «**اثر جزائی ندارد**» که دانشمند محترم بطور اطلاق بکار
برده اند مشعر است بر اینکه جاعل گذرنامه ای که مورد استفاده قرار نگرفته باشد اساساً
مرتکب جرم نشده است .

ثانیاً وقتی خود قانونگذار در ماده مذکور ساختن یا نوشتن گذرنامه را بلفظ **جعل**
آورده باشد «**هر کسی تذکره عبور یا اقامت دولتی را جعل کند**» دیگر مجالی برای
این مباحث باقی نمیگذارد .

البته مقایسه مجازات ماده ۱۰۷ با مجازات مذکور در مواد ۱۰۹ و ۱۱۰ و ۱۱۲
انسان را باین فکر میاندازد که شاید قانونگذار ساختن گذرنامه را بدون آنکه مورد
استفاده واقع شود جعل نمیداند چه با آنکه جعل گذرنامه با جرایم مذکور در مواد اخیر
الذکر از حیث اهمیت جرم بهیچوجه قابل مقایسه نیست معذک مدت بازداشت در ماده ۱۰۷
نصف مدت بازداشت در ماده مورد بحث است اما باتمام این احوال چون خود مقتن ساختن
گذرنامه را در ماده ۱۰۷ با عنوان **جعل** متصف نموده لذا هر گونه تردیدی را در زمینه جعل
بودن گذرنامه ساختگی بر طرف میسازد البته برای رفع همین اشکال است که دانشمند
محترم بجعل معنوی قائل شده اند .

ب - در قسمت چک تقلبی فرض مسئله گویا اینست که : شخصی خودسرانه و بدون
اذن دسته چکی بنام صاحب حسابی از بانک میگیرد سپس اوراق این چک بدست دیگری
میافتد و او یکی از برگها را با امضائی که شبیه بامضای صاحب چک نیست پرمیکند و از
بانک وجهی میگیرد و شخص ثالثی صحت امضای گیرنده وجه را گواهی میکند .

اشکالات زیر بر این قسمت از مقاله وارد است :

اولین ایرادیکه بر این قسمت وارد است مجمل و مبهم بودن مثال انتخابی است زیرا در
علوم اجتماعی و از آنجمله حقوق مثال مانند مواد آزمایشگاهی در علوم طبیعی است همچنانکه
اگر در تجزیه شیمیائی ماده ناشناخته ای بکار رود متصدی آزمایشگاه سرگردان میشود همانطور
در علوم اجتماعی اگر مثال کاملاً روشن نبوده و یا حدود مفروضات آن قبلاً مشخص نگردیده
باشد خواننده مطلب نویسنده را درست درک ننموده گمراه میگردد مثلاً در مثال انتخابی
دانشمند محترم معلوم نیست شخصی که یکی از اوراق چک را پرمیکند و از بانک پول
میگیرد امضائی شبیه امضای صاحب چک میکند یا اینکه امضای خودش را پای چک

در اطراف جعل

میگذارد همچنین معنوم نذوده اند درخواست کنند دسته چك چه امضای پای درخواست. گذاشته امضای صاحب حساب یا امضای خودش را؟

و نیز تصریح نشده گواهی کننده امضاء، امضای متقاضی دسته چك را گواهی کرده یا امضای جاعل چك را بهمین جهت اینجانب در خلاصه ای که از مثال در اینجا آوردم کلمه گویا را در مقدمه آن ذکر کردم.

۲ - حدود مسئولیت متقاضی دسته چك از نقطه نظر جعل بسته باین است که چه امضای پای درخواست گذاشته باشد و از لحاظ مواد دیگر قانون مجازات عمومی باید دید چه عباراتی در تقاضا نامه بکار رفته است؟

اما اگر تحت هیچ عنوان از عناوین جزایی نشود او را تعقیب کرد مسئولیت مدنی او بقاعده تسبیب مسلم است.

مثالی را که دانشمند محترم (موضوع ساختن مسکن) برای عدم مسئولیت متقاضی دسته چك ذکر کرده اند درست نیست زیرا بین کسیکه مسکنی برای زوار از پول خود میسازد و در واقع عمل مجاز و ممدوحی انجام میدهد با کسیکه بدون اذن و اجازه در امور مالی دیگری دخالت کرده و با گرفتن دسته چك از بانک مقدمه لازم ربودن مال دیگری را فراهم میکند وجه شبه موجود نیست.

باضافه اگر مسئولیتی متقاضی دسته چك را تا حد مسئولیت با بیع فضولی باین آوریم باز هم مسئول است زیرا ماده ۲۶۳ قانون مدنی با بیع فضولی را مسئول غرامات مشتری قرار داده است. ۳ - نسبت بدریافت کننده وجه بنظر اینجانب در عین آنکه شخص مذکور کلاهبردار است جاعل نیز هست و قدر متیقن مشارالیه مرتکب جعل معنوی نیز شده است زیرا:

اولاً بانکهها تا امضای پای چك شباهت کامل با امضای صاحب چك نداشته باشد پول نمیپردازند، و همین شباهت کامل که متخصص تطبیق امضای بانک را با شباهت انداخته برای آنکه مصداق جعل باشد کافی است.

ثانیاً با فرض آنکه گیرنده پول امضایی که بهیچوجه شبیه با امضای صاحب حساب نیست پای چك گذاشته و بانک با همه دقتی که بکار می بندد متوجه تفاوت امضاء نشود تازه عنوان جعلی گیرنده وجه برای خود تراشیده و خویشتر را بجای صاحب حساب قرار داده و برای آنکه عمل او را مصداق جعل سازد کفایت میکند.

خود دانشمند محترم طی مقاله مذکور موارد متعددی را که شبیه همین مورد

در اطراف جعل

بوده است بعنوان جعل معنوی ذکر کرده‌اند .

ج- در سطر ۱۴ صفحه ۱۴ چنین نوشته شده است :

«نسبت بیچکهای وعده دار هم چون اطلاق چک رسمی بر آنها نمیشود جزء اسناد

عادی محسوب است و بعنوان جعلیت سازنده تعقیب نمیشود»

اشکالات زیر بر این قسمت نیز وارد است :

۱ - مقصود دانشمند محترم از جمله «سند عادی محسوب است» درست درک

نمیشود زیرا :

اولاً چک از اسناد رسمی نیست تا هر گاه ارکان آن درست تکوین نشده باشد طبق

ماده ۱۲۹۳ قانون مدنی سند عادی حساب شود .

ثانیاً مگر اسناد عادی مشمول عنوان جعل نیست ماده ۱۰۶ قانون مجازات که

میگوید «هر کس یکی از طرق مذکور در اسناد یا نوشتجات غیر رسمی جعل

یا تزویر کند» بنحو بارزی نشان میدهد که نه فقط اسناد عادی مشمول جعل

میگردد بلکه بالفظ وسیع و اطلاقی که قانونگذار در ماده ۱۰۶ «اسناد یا نوشتجات

غیر رسمی» آورده نظرش آن بوده که جعل محدود با اسناد رسمی یا عادی نشود بلکه

هر نوع نوشته یا سندی که مجعول باشد عنوان سند مانع شمول حکم جعل نگردد .

۲ - چون بموجب ماده ۵ لایحه جدید چکهای بی محل «دعوی اینکه چک وعده دار

بوده مسموع نیست» و وضع این ماده در واقع ذیل ماده ۳۱۱ قانون تجارت را (که چک

وعده دار را از احکام چک خارج میکرد) از کار انداخته است بنابراین با فرض آنکه چک

در اصل هم وعده دار باشد و دلایل قویه بر وعده داشتن چک بتوان تهیه کرد چون قانون

جدید چنین دعوائی را غیر قابل استماع دانسته و چک مجعول وعده دار همچنان قابلیت

اضرار دارد لذا احکام جعل چک از حیث وعده داشتن و نداشتن تفاوتی نمیکند .